

حقوق و وظائف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن

رضا دهقان نژاد*

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۶

حسین بستان (نجفی)**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۷

چکیده

این مقاله با رویکرد تفسیر موضوعی و تحلیل مضامین آیات قرآن با استفاده از آراء مفسران به ویژه مفسران شیعه، به بررسی آن دسته از حقوق و تکالیف خانوادگی که به نقش‌های همسری و مادری زن مرتبط می‌شوند و متضمن ثبوت وظیفه‌ای بر عهده طرف مقابل (شوهر و فرزندان) هستند، می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که قرآن کریم حقوق عاطفی، حق جنسی و حقوق مالی که شامل حق مهریه، حق نفقه و حق متعه (نحله) طلاق است را از مهم‌ترین حقوق زن به عنوان همسر به شمار آورده و در مقابل، حمایت عاطفی، تمکین، امانتداری و نگهداشتن عده را از تکالیف اختصاصی وی در قبال شوهر محسوب کرده است. همچنین حق اطاعت، حق حمایت، حق احترام و حق حضانت و شیردهی از جمله حقوق زن به عنوان مادر و وظیفه حفظ و مراقبت، تعلیم و تربیت، حمایت و نظارت از مهم‌ترین وظائف مادر در قبال فرزند از دیدگاه قرآن کریم هستند.

کلیدواژگان: حقوق عاطفی همسر، حق جنسی همسر، تمکین، حمایت و نظارت.

مقدمه

از آنجا که مسأله حقوق زن به عنوان حربه‌ای برای تشویش افکار زنان مسلمان و زیر سؤال بردن جایگاه انسانی و اجتماعی زنان در اسلام، با عناوینی مانند مردم‌محور بودن اسلام و عدم توجه به حقوق زنان در جامعه اسلامی به‌ویژه در خانواده‌ها، از طرف روشنفکران غربگرا و طرفداران فمینیسم با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی که در اختیار دارند، به صورت گسترده و هدفمند مطرح می‌گردد؛ ضروری به نظر می‌رسد که مسأله مطروحه از منظر قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا دیدگاه واقعی اسلام ناب در این زمینه بر همگان روشن گردد؛ چراکه اگر مردم به‌ویژه خود زنان، نقش زنان در جامعه و حقوق و تکالیف آن‌ها را از دیدگاه تنها کتاب آسمانی تحریف‌نیافته که تمام احکام و معارف آن در صورت پایبندی به آن‌ها، موجب زندگی بادوام و بانشاط و سعادت‌مندی دنیوی و اخروی خواهد بود، به‌درستی درک نموده و با آن آشنا شوند، بی‌تردید می‌توانند در راستای احقاق حقوق زنان و به تبع آن پیشرفت همه‌جانبه جامعه، به‌خوبی ایفای نقش کنند.

گرچه در زمینه حقوق زن تحقیقات و کتاب‌هایی از زمان‌های گذشته تا به حال به رشته تحریر درآمده و حقوق زن را به طور کلی مورد بحث قرار داده‌اند. «المراه فی القرآن الکریم» (عباس محمود عقاد) و «مکانة المرأة فی القرآن الکریم والسنة الصحیحة» (محمد بلتاجی) و کتاب‌های دیگری مانند «دنیا المرأة» اثر سید محمدحسین فضل‌الله؛ «نظام حقوق زن در اسلام» (شهید مرتضی مطهری)؛ «زن در آئینه جلال و جمال» (آیت‌الله جوادی آملی) از جمله تحقیقاتی هستند که در این زمینه انجام گرفته است. اما با توجه به اینکه آیات فراوانی در قرآن کریم به بیان حقوق و تکالیف متقابل اعضای خانواده پرداخته‌اند، در این مقاله، آن دسته از حقوق و تکالیف خانوادگی که به نقش‌های همسری و مادری زن مربوط می‌شوند و متضمن ثبوت وظیفه‌ای بر عهده طرف مقابل (شوهر و فرزندان) هستند، از آیات قرآن استخراج و بررسی خواهند شد. اما حقوقی که بدون در نظر گرفتن ثبوت وظیفه‌ای بر عهده طرف مقابل، مستحق آن هستند مانند حق ارث، از محل بحث خارج‌اند و در برخی از تحقیقات ذکر شده در بالا و کارهای مشابه، به طور مفصل بحث شده است.

بر این اساس، در این مقاله کوشش خواهد شد ضمن بهره‌گیری از آراء تفسیری، تصویر جامعی از حقوق و وظائف متقابل زن در برابر شوهر و فرزندان از دیدگاه قرآن کریم ارائه شود که این مهم در چهار محور پیگیری خواهد شد: ۱. حقوق زن به عنوان همسر؛ ۲. وظائف زن به عنوان همسر؛ ۳. حقوق زن به عنوان مادر؛ ۴. وظائف زن به عنوان مادر.

حقوق زن به عنوان همسر

در این محور، ابعاد حقوق زن به عنوان همسر را در دو عنوان حقوق غیر مالی و حقوق مالی با استفاده از آیات مربوطه در قرآن کریم مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

أ. حقوق غیر مالی

مقصود از حق غیر مالی امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق روابط غیرمالی اشخاص است که ارزش داد و ستد را نداشته و به طور مستقیم قابل ارزیابی به پول و مبادله نمی‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۵۸).

۱. حقوق عاطفی

در چندین آیه از قرآن کریم به وظائف عاطفی شوهر در قبال همسرش اشاره شده است. مطابق آیه ۲۱ سوره روم هدف از آفرینش همسران، آرامش بخشی متقابل معرفی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۲۴۹) که به طور ضمنی بر حقوق عاطفی همسران دلالت دارد؛ زیرا فرض اینکه زن و شوهر هیچ وظیفه‌ای در این خصوص نداشته باشند، می‌تواند ابطال هدف مزبور و نقض غرض الهی را در پی داشته باشد که با حکمت خداوند ناسازگار است. همچنین آیه: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء / ۱۹)، آیه ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره / ۲۲۸) و آیه ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيَةٌ بِإِحْسَانٍ﴾ (بقره / ۲۲۹)، با اطلاق خود شامل حقوق عاطفی زن بر شوهر می‌شوند. با مراجعه به متون حدیثی می‌توان شاخص‌های تفصیلی حقوق عاطفی زن را استخراج کرد که بخشی از

آن‌ها از توصیه‌هایی راجع به امور ذیل به دست می‌آیند: محبت و مهرورزی، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۱۵۳) تکریم (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۴۱۲) نیکی کردن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۱۷۱) اخم نکردن (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵: ۵۱۱) پرهیز از خشونت (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: ۳۸۰) خوش اخلاقی (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ۴۵۷) گشاده‌دستی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵: ۲۳۶) عفو و گذشت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۱۷۵) مدارا و سازگاری (همان، ج ۲۰: ۱۶۹) پاکیزگی و آراستگی (مجلسی، همان، ج ۷۳: ۱۰۱).

۲. حق جنسی

قرآن کریم تصریحی درباره حق جنسی زن بر شوهر ندارد، ولی برخی آیات به طور ضمنی بر این حق دلالت می‌کنند. به طور خاص، آیه:

﴿لِلَّذِينَ يُؤْتُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرْتِيضًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾ (بقره / ۲۲۶)

«کسانی که در مورد زنانشان ایلاء می‌کنند از روی خشم سوگند می‌خورند که با آن‌ها آمیزش جنسی نداشته باشند، چهار ماه مهلت دارند»

حق جنسی زن را پس از چهار ماه کناره‌گیری شوهر پذیرفته است که جزئیات این حکم در روایات بیان شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲: ۳۴۲). همچنین عده وفات شوهر در آیه:

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرْتِيضْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ (بقره / ۲۳۴)

«و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عده نگه دارند)»

بنا بر روایتی، به موضوع بردباری جنسی زن ربط داده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲: ۲۳۶).

از این آیات به ضمیمه برخی روایات (همان، ج ۲۰: ۱۴۰) این نتیجه به دست می‌آید که اسلام حدّ چهار ماه را به عنوان حدّ اکثر زمان مجاز برای خودداری شوهر از ارتباط جنسی با همسر مقرر کرده است؛ زیرا از یک سو می‌دانیم که اسلام برای این امر، حدّی در نظر گرفته و احتمال بی‌حد بودن منتفی است و از سوی دیگر، در متون دینی به هیچ حدّ دیگری غیر از چهار ماه اشاره نشده است.

از این گذشته، همان‌گونه که در بحث حقوق عاطفی ذکر شد، برخی آیات قرآن بر قواعدی کلی در مورد وظائف شوهر در برابر همسرش دلالت دارند که وظائف جنسی را نیز در بر می‌گیرند. از مهم‌ترین این قواعد، می‌توان به قاعده نفی ضرار، قاعده نفی حرج و قاعده معاشرت به معروف اشاره کرد که برگرفته از آیات ذیل هستند:

﴿لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودَهُ بَوْلِدِهِ﴾ (بقره / ۲۳۳)

﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ (حج / ۷۸)

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء / ۱۹)

به موجب قاعده نفی ضرار، اگر خودداری شوهر از برقراری رابطه جنسی با زن و نیز خودداری او از طلاق، در نظر عرف مصداق ضرر رساندن به زن باشد، می‌توان شوهر را ملزم به ارضای نیاز جنسی همسر یا طلاق او کرد (شبیری زنجانی، بی‌تا، ج ۵، درس ۱۶۰: ۱۰). بر حسب قاعده نفی حرج، اگر زن در اثر بی‌توجهی شوهر به نیاز جنسی او، در مشقت شدید بیفتد، وجوب حفظ رابطه زوجیت و تحمّل این وضعیت از زن برداشته می‌شود و او می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع، شوهر را به تغییر رفتار جنسی یا طلاق وادار سازد. بر اساس قاعده معاشرت به معروف نیز می‌توان یکی از لوازم حسن معاشرت را توجه شوهر به نیاز یا درخواست جنسی همسرش دانست. البته با توجه به اینکه دائره «معروف» شامل واجبات و مستحبات می‌شود، نمی‌توان وجوب همه مصادیق معروف و در نتیجه، وجوب همه مصادیق توجه به نیاز جنسی زن را از این قاعده استفاده کرد، بلکه حدّ اکثر رجحان آن به دست می‌آید، ولی قطعاً حداقل‌هایی وجود دارد که وجوب در آن‌ها از باب قدر متیقن قابل اثبات است، مانند این فرض که شوهر به طور کامل به نیاز جنسی زن بی‌توجهی کند.

ناگفته نماند برخی خواسته‌اند بر اساس قاعده مماثلت حق و تکلیف که از آیه:

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره / ۲۲۸)

به دست آمده، برای زنان حقوقی مشابه وظائفشان از جمله در زمینه تأمین نیاز جنسی همسر اثبات کنند (فضل‌الله، ۱۴۱۸ق: ۹۴) که استدلال آن‌ها محل مناقشه است؛ زیرا با توجه به انحصاری بودن و مشابه نداشتن برخی از حقوق زناشویی، به نظر می‌رسد مقصود از مماثلت حقوق و وظائف در این آیه، مماثلت در اصل وجوب و استحقاق مطالبه است، نه در کیفیت و نوع آن‌ها (ر.ک: بستان، ۱۳۸۸ش: ۲۵۲).

ب. حقوق مالی

حق مالی امتیازی است که هر یک از نظام‌های حقوقی، به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص به آن‌ها می‌دهد. این دسته از حقوق، بر خلاف گروه نخست، قابل مبادله و تقویم به پول است. ناگفته نماند جدایی حقوق مالی از غیر مالی مطلق نیست؛ پاره‌ای از حقوق را که جنبه مالی آن‌ها رجحان داشته، حقوق مالی و گروهی را که بیش‌تر جنبه اخلاقی آن مورد توجه بوده است، حقوق غیر مالی نامیده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۵۹).

۱. حق مهریه

اولین حق مالی زن بر شوهر، حق مهر یا مهریه است. در قرآن کریم واژه مهر به کار رفته و از الفاظ مترادف آن مانند «صدقه» (نساء/ ۴) و «أجر» (نساء/ ۲۴) استفاده شده است. بر حسب آیه:

﴿وَلِإِن طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ﴾ (بقره/ ۲۳۷)

و با توجه به روایات اهل بیت (ع) (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۳۱۴) به محض اجرای عقد نکاح، زن مالک تمام مهریه می‌شود، ولی این مالکیت نسبت به نصف مهر، مستقر و نسبت به نصف دیگر آن متزلزل است که با همبستر شدن، تمام آن مستقر می‌گردد (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۳۷؛ امام خمینی، [بی تا]، ج ۲: ۳۰۰).

گرچه مهریه می‌تواند اندوخته‌ای مالی برای آینده زن و پشتوانه‌ای برای حفظ حقوق اجتماعی و اقتصادی او محسوب گردد، اما قرآن کریم بدون تأکید بر این جنبه می‌فرماید:

﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ فَإِنْ طَبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُوهُ هِنْيَأً مَرِيئاً﴾ (نساء/ ۴)

«مهریه زنان را به عنوان هدیه به آنان بپردازید، پس اگر زنان با میل و رغبت خویش چیزی از مهریه را به شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید»

قرآن در این آیه اولاً با عبارت «وَأَتُوا النِّسَاءَ»، پرداخت مهریه را وظیفه شوهر و حق زن دانسته است؛ ثانیاً با بکارگیری واژه‌های «صَدَقَاتٍ» و «نِحْلَهُ» بر اتهامات کسانی که مهریه را قیمت فروش زن می‌پندارند، خط بطلان کشیده و مهریه را هدیه مرد به همسرش که نشانه صداقت مرد در علاقه و محبت اوست، معرفی می‌کند (مطهری،

۱۳۸۵ش: ۱۸۶). ثالثاً با اضافه کلمه «صَدَقَات» به ضمیر «هن» اعلام می‌دارد که مهریه به خود زن تعلق دارد، نه به پدر یا مادر او بابت مزد حضانت و تربیت او و مانند آن (همان) و رابعاً با عبارت «فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ ... فَكُلُوهُ» مالکیت زن بر مهریه را تام و منجز دانسته است، به گونه‌ای که حتی خود شوهر بدون اجازه زن نمی‌تواند در مهریه تصرف کند. بنابراین مهر در نظام حقوقی اسلام نشانه ارج و احترام مرد برای زن بوده و مظهر تعهد شوهر در برابر حقوق مالی زن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۸۳ش، فصلنامه بانوان شیعه، ش ۲: ۱۵۴).

۲. حق نفقه

آیات متعددی از قرآن کریم، از جمله آیه ۳۴ سوره نساء، ۲۳۳ سوره بقره و ۷ سوره طلاق، حق نفقه را از حقوق اختصاصی زن بر شوهر به شمار آورده‌اند. درباره میزان نفقه با الهام از دو آیه اخیر می‌توان گفت همه مخارج زن که مربوط به خوراک، پوشاک و مسکن و ملزومات آن‌ها و مطابق عرف جامعه باشد، بر عهده شوهر است که فقها نیز بر همین اساس، معیار تعیین نوع و میزان نفقه را عرف می‌دانند (برای نمونه ر.ک: حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۲۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۴۵۵-۴۵۷؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۵-۳۱۷).

۳. حق متعه طلاق

قرآن کریم متعه طلاق را که نوعی هدیه پولی یا کالایی از سوی شوهر به زن مطلقه است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶: ۲۳۰) از حقوق مالی زن به شمار آورده است. در ذیل، بر دو مورد از آیاتی که بر پرداخت متعه طلاق تأکید کرده‌اند، اشاره می‌شود.

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره / ۲۳۶)

«اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهریه طلاق دهید، گناهی بر شما نیست و [در این موقع] آن‌ها را با متاعی بهره‌مند سازید؛ آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانایی‌اش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، متاعی شایسته بدهد و این بر نیکوکاران الزامی است»

این آیه برای وجوب پرداخت متعه طلاق دو شرط قرار داده است: نخست، وقوع طلاق قبل از عمل زناشویی و دوم، عدم تعیین مهریه در هنگام عقد نکاح، ضمن آنکه بر لزوم توجه به توانایی مالی شوهر و نیز احترام به شؤون اجتماعی زن تأکید کرده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۵۹۶؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱: ۵۴۱).

﴿وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره / ۲۴۱)

«و برای زنان مطلقه است که از متاع شایسته‌ای بهره‌مند شوند که این حقی است بر عهده پرهیزگاران»

گرچه ظاهر این آیه مطلق بوده و همه زنان مطلقه را شامل می‌شود؛ ولی به نظر بسیاری از مفسران، این آیه به وسیله آیات ۲۳۶ و ۲۳۷ سوره بقره تقیید خورده است. بنابراین حکم متعه طلاق به زنانی اختصاص دارد که مهریه‌ای برای آن‌ها در هنگام عقد تعیین نشده و قبل از آمیزش، طلاق داده می‌شوند و در حقیقت، این آیه صرفاً تأکیدی است بر حکم مزبور تا مورد غفلت واقع نشود (برای نمونه ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۶۰۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۴۹۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۵۲). عده‌ای از مفسران نیز معتقدند مطابق اطلاق آیه، حکم مزبور همه زنان مطلقه را شامل می‌شود، لکن در مورد آیه ۲۳۶ جنبه وجوبی و در موارد دیگر جنبه استحبابی دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۴۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲: ۴۶).

به هر حال، قرآن کریم در این آیات با بکارگیری تعبیری مانند ﴿حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره / ۲۳۶)، ﴿حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره / ۲۴۱) و ﴿سَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾ (احزاب / ۴۹)، می‌کوشد انگیزه‌های اخلاقی و نیکوکارانه را در طلاق تقویت کرده و از تبدیل شدن آن به یک اقدام حقوقی صرف و چه بسا با انگیزه‌های انتقام‌جویانه جلوگیری کند که بی‌شک، این رویکرد در کاهش فشارهای روحی زنان مطلقه بسیار مؤثر است.

وظائف زن به عنوان همسر

در این محور، وظائف زن در برابر شوهر از نگاه قرآن کریم در ذیل چهار عنوان حمایت عاطفی، تمکین، امانت‌داری و نگه‌داشتن عده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

أ. حمایت عاطفی

چنانکه در بحث حقوق عاطفی زن مطرح شد، آیاتی از قرآن کریم که هدف از آفرینش همسران را دستیابی به سکون و آرامش روانی آنان دانسته‌اند (روم / ۲۱؛ اعراف / ۱۸۹) هرچند در نگاه نخست به یک حقیقت تکوینی اشاره دارند، ولی به طور ضمنی بر وظائف عاطفی همسران دلالت می‌کنند؛ زیرا فرض اینکه زن و شوهر هیچ وظیفه‌ای در این خصوص نداشته باشند، می‌تواند نقض غرض الهی را در پی داشته باشد که با حکمت خداوند ناسازگار است. از این گذشته، در روایات اسلامی نیز بر اهمیت نقش عاطفی زن در قبال شوهر تأکید شده و برای مثال، پیامبر گرامی اسلام (ص) عطف و مهرورزی و حتی اظهار عشق نسبت به شوهر را از ویژگی‌های مطلوب زن مسلمان دانسته است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۲۹-۳۲). در ابعاد مختلف سراسر زندگی پر از فراز و نشیب دخترش حضرت زهرا (سلام الله علیها) با حضرت علی (علیه السلام)، این حمایت عاطفی از شوهر موج می‌زند (رضایی و نراقی، ۱۳۸۹ش، فصلنامه فدک سبزواران، ش ۴: ۱۱۹-۱۲۲).

ب. تمکین

تمکین زن در برابر شوهر از وظائف شرعی زن به شمار می‌آید. در اصطلاحات حقوقی، تمکین به دو نوع خاص (تمکین جنسی) و عام (اطاعت از شوهر و انجام وظائف زوجیت) تقسیم می‌شود (امامی، بی تا، ج ۴: ۴۴۷-۴۴۸). این موضوع در اصطلاح قرآنی با عنوان اطاعت و نشوز بیان شده است (نساء / ۳۴). قرآن کریم یکی از وظائف زن در قبال شوهر را اطاعت می‌داند. ولی با توجه به اینکه نمی‌توان به وجوب اطاعت زن از شوهر در همه امور قائل شد و هیچ فقیهی نیز به این مطلب ملتزم نیست، قهراً محدوده اطاعت به دو بخش واجب و مستحب تقسیم می‌شود.

بخش اطاعت واجب، چنانکه بسیاری از فقهاء تصریح کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۳۶۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱: ۲۰۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۴۷۸؛ امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۳۰۴) به دو موضوع ویژه یعنی تمکین جنسی و عدم خروج از منزل بدون اذن شوهر (در غیر موارد استثنا) اختصاص دارد. بر این اساس، زن وظیفه

دارد امکان بهره‌گیری جنسی را برای شوهرش بدون هیچ‌گونه محدودیت زمانی یا مکانی فراهم کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۴۳۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱: ۳۰۳). قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَامْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَتَّبِعُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا﴾ (نساء / ۳۴)

«و آن زنانی را که از سرکشی آن‌ها بیم دارید، پند و اندرز دهید و [اگر مؤثر واقع نشد،] در بستر از آن‌ها دوری جوئید و [اگر تأثیر نکرد] آن‌ها را تنبیه کنید! پس اگر از شما اطاعت کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها مجوئید!»

این آیه به شوهر اجازه می‌دهد که در برابر نشوز زن که قدر متیقن آن، خودداری از تمکین جنسی است، با او به شیوه‌های سه‌گانه موعظه، ترک همبستری و تنبیه بدنی برخورد کند و این دلالت روشنی بر وظیفه تمکین جنسی زن در برابر شوهر دارد، ضمن آنکه در روایات متعدد نیز بر این وظیفه تأکید شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۱۵۷-۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰: ۲۴۸).

همچنین از آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا حَرِّثْ لَكُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِّ﴾ (بقره / ۲۲۳)

«زنان شما کشتزار شمايند، پس هرگونه که بخواهید، می‌توانید به کشتزار خود درآیید [و با آن‌ها آمیزش کنید]»

می‌توان حق تمتع جنسی مرد و وظیفه تمکین جنسی زن را بدون محدودیت زمانی و مکانی استفاده کرد که البته مواردی که در قانون شرع ممنوع شده، از این حکم مستثنا هستند (ر.ک: مغنیه، پیشین، ج ۱: ۳۳۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۴۴۰).

به این ترتیب، سایر موارد اطاعت زن از شوهر در محدوده اطاعت مستحب قرار می‌گیرند. تعبیر «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ» (نساء/ ۳۴) پس زنان شایسته، اطاعت فروتنانه دارند» که پس از بیان حکم قوامیت مرد بر زن مطرح شده و اطاعت را به طور مطلق تشویق کرده، بنا بر یک تفسیر، ناظر به اطاعت زنان از شوهران است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳: ۶۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۴۴). هرچند بنا بر تفسیر دیگری، به اطاعت از خداوند معنا شده است (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۷۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۶) از این گذشته، در منابع حدیثی نیز روایات متعددی در مطلوبیت اطاعت مطلق زن از

شوهر وارد شده‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۱۵۸-۱۶۰) که بر حسب استدلال مزبور، دلالت بر وجوب اطاعت ندارند و معنایی اعم از وجوب و استحباب را ثابت می‌کنند. ناگفته نماند اطاعت زن از شوهر چه در موارد وجوب و چه در موارد استحباب، مقید به قیود و شروطی است که از قواعد کلی شرع برگرفته شده‌اند؛ مانند اینکه اطاعت از شوهر نباید مستلزم مخالفت با اوامر و نواهی الهی باشد (همان، ج ۱۱: ۱۵۸) و همچنین نباید موجب ضرر (همان، ج ۲۶: ۱۴) و یا عسر و حرج (حج/ ۷۸) برای زن باشد. چنین قید و شرط‌هایی زمینه سوء استفاده شوهران را به حد اقل کاهش می‌دهند.

ج. امانت‌داری

امانت‌داری صرف نظر از مطلوبیت آن به عنوان یک ویژگی اخلاقی عام، از وظائف زن در قبال شوهر به شمار آمده است. قرآن کریم با تعبیر «حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء/ ۳۴) زن شایسته را زنی معرفی می‌کند که در حضور و در غیاب شوهرش، امانت‌دار عفت خود و حافظ شخصیت، اسرار و اموال شوهر است (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۹۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۴۴).

در بیان اهمیت امانت‌داری زن در زندگی زناشویی می‌توان به این نکته اشاره کرد که قرآن کریم همسران نوح و لوط علیهما السلام را به این دلیل که به شوهران خود خیانت کرده، با دشمنان آنان همکاری نموده و اسرارشان را مخفیانه در اختیار دشمنان می‌گذاشتند و آن‌ها را بر علیه همسران خود می‌شوراندند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۳۶۸) به شدت نکوهش کرده و عذاب جهنم را به آنان وعده می‌دهد (تحریم/ ۱۰) همچنان‌که برخی از همسران پیامبر اسلام (ص) را به سبب افشای اسرار آن حضرت، به شدت توبیخ نموده است (تحریم/ ۳-۵) در روایات نیز یکی از ویژگی‌های همسران شایسته، حفظ ناموس و اموال شوهر در غیاب وی معرفی شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۳۹).

د. نگه‌داشتن عِدّه

بر حسب آیات قرآن، یکی دیگر از وظائف زن در قبال شوهر، در فرض جدایی یا مرگ شوهر، که به نوعی حق مرد نیز محسوب می‌شود، نگه‌داشتن عِدّه است.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا﴾ (احزاب / ۴۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با زنان باایمان ازدواج کردید، سپس قبل از آمیزش آن‌ها را طلاق دادید، عده‌ای برای شما بر آن‌ها نیست که حساب آن را نگاه دارید»

از تعبیر «لکم» (برای شما) و نیز عبارت «تعتدونها» (عده را محاسبه کنید) استفاده می‌شود که عده نگه‌داشتن زن، از حقوق مرد است؛ زیرا امکان دارد زن در واقع باردار باشد و ترک عده و اقدام به ازدواج با مرد دیگر سبب می‌شود که وضع فرزند نامشخص گردد و حق مرد در این زمینه پایمال شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳: ۳۰۵).
عده طلاق و عده وفات شوهر، دو نوع اصلی عده‌اند که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است. در بسیاری از موارد فسخ ازدواج (جدایی بدون طلاق) نیز عده ثابت می‌شود که احکام آن در منابع فقهی مطرح شده است. منظور از عده طلاق، یک دوره زمانی است که در آن، زن مطلقه مجاز نیست با هیچ مردی ازدواج کند. البته این حکم استثنائاتی دارد و چنانکه اشاره شد، یکی از استثنائاتش آن است که طلاق، قبل از عمل زناشویی واقع شود، همچنان که در عبارات بعدی به برخی استثنائات دیگر آن اشاره می‌شود.

در مورد مدت عده طلاق، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَالْمَطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره / ۲۲۸)

«زنان مطلقه، باید به مدت سه نوبت عادت ماهانه (و پاک شدن) انتظار بکشند»

و نیز می‌فرماید:

﴿وَاللَّائِي يَيْسَسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمُ إِذَا رُزِقْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ (طلاق / ۴)

«و از زنان شما آنان که از عادت ماهانه مأیوس شده‌اند، اگر به شک افتادید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آن‌ها که عادت ماهانه ندارند، و عده زنان باردار نیز آن است که وضع حمل کنند»

بر این اساس، عده زنان برحسب عادت ماهانه داشتن یا نداشتن و باردار بودن یا نبودن، متفاوت قرار داده شده است.

البته علما در تفسیر دو فراز نخست این آیه اختلاف نظر دارند و طبق دیدگاه مشهور میان علمای شیعه که مستند به روایات معتبر است (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۶: ۸۵) فراز نخست ناظر به زنان یائسه نیست، بلکه به زنانی اشاره دارد که یائسه بودنشان مشکوک است، یعنی به رغم آنکه دیگر خون عادت نمی‌بینند، معلوم نیست این حالت انقطاع خون به سبب رسیدن به سن یائسگی است یا سبب دیگری دارد. منظور از فراز دوم نیز نه دختران نابالغ، بلکه دختران و زنان بالغی است که به سببی غیر از کودکی و یائسگی خون نمی‌بینند. بر پایه این تفسیر، وجوب نگه‌داشتن سه ماه عده به زنان یادشده اختصاص دارد و اما زنان یائسه و دختران نابالغ که احتمال حاملگی در آنها راه ندارد، اصلاً ملزم به نگه‌داشتن عده طلاق نیستند (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۲: ۲۳۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷: ۳۵۲) به این ترتیب، این دو دسته اخیر نیز در زمره استثنائات وجوب عده طلاق قرار می‌گیرند.

اما عده وفات شوهر، یعنی زمانی که در آن، زن بیوه مجاز به ازدواج نیست، در قرآن کریم چهار ماه و ده روز تعیین شده است (بقره/ ۲۳۴) البته با توجه به آیه ۲۴۰ سوره بقره گفته شده است که مدت عده وفات در آغاز اسلام یک سال بوده که این حکم بعدها به وسیله آیه ۲۳۴ سوره بقره نسخ شده است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲: ۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۹: ۲۷۱). گفتنی است استثنائاتی که برای عده طلاق بیان شد، در عده وفات شوهر راه ندارد و زن بیوه در همه فروض مکلف به نگه‌داشتن عده است که مستند این حکم در منابع روایی و فقهی بیان شده است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱: ۳۳۲؛ ج ۲۲: ۲۷۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۹: ۲۷۱).

حقوق زن به عنوان مادر

حقوق مادران را به طور کلی در دو دسته می‌توان بررسی کرد: حقوق مادر بر فرزند که متضمن ثبوت وظیفه‌ای بر عهده فرزند در قبال مادر است و حقوق مادر بر غیر فرزند که متضمن ثبوت وظیفه‌ای بر پدر یا دیگران در قبال مادر است.

أ. حقوق مادر بر فرزند

حقوق مادر بر فرزند در اسلام تا حدود زیاد در ذیل حقوق والدین تعریف می‌شوند و این دو بحث از دلائل و شواهد قرآنی نسبتاً یکسانی برخوردارند. با این حال، از برخی آیات قرآن چنین برمی‌آید که سفارش به مادر بیش‌تر از پدر است. در دو سوره از قرآن کریم (لقمان / ۱۴؛ احقاف / ۱۵) پس از سفارش مطلق به والدین، بلافاصله از زحمات مادر تجلیل شده است.

تأمل در آیات قرآن کریم این برداشت را در ذهن تقویت می‌کند که اصلی‌ترین حق پدر و مادر بر فرزندان، حق نیکی و احسان است. در اهمیت و بزرگی این حق، همین بس که در چهار آیه بلافاصله پس از اصل توحید قرار گرفته است (بقره / ۸۳؛ نساء / ۳۶؛ انعام / ۱۵۱؛ اسراء / ۲۳) و جوب احسان به والدین بر مبنای قاعده عقلی و جوب شکر مُنعم و قاعده قرآنی «لزوم جزای احسان با احسان» استوار است؛ زیرا همگان اذعان دارند که زحمات‌ها و رنج‌هایی که والدین در امر پرورش فرزندان خود متحمل می‌شوند، از بی‌شائبه‌ترین نعمت‌هایی است که در جوامع بشری یافت می‌شود و از این رو، هیچ انسان منصفی در لزوم سپاسگزاری فرزندان از والدین و جبران خدمات آن‌ها تا حد امکان، تردید روا نمی‌دارد.

قرآن کریم افزون بر اینکه احسان و نیکی به والدین را به طور کلی به عنوان وظیفه اصلی فرزندان نسبت به پدر و مادر مطرح کرده، به بیان مصادیق و شاخص‌های اصلی آن نیز پرداخته است که آن‌ها را در سه محور، شامل حق اطاعت، حق حمایت و حق احترام به طور خلاصه بررسی می‌کنیم.

۱. حق اطاعت

یکی از حقوق والدین بر فرزندان، حق اطاعت است. قرآن کریم پس از سفارش انسان به شکرگزاری از والدین می‌فرماید:

﴿وَلِنْ جَاهِدَكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبِهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾

(لقمان / ۱۴-۱۵)

«و اگر تلاش کردند چیزی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری [بلکه می‌دانی باطل است] از آن‌ها اطاعت مکن و [در عین حال،] با آن‌ها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن»

بر اساس این آیه، فرزند موظف است در همه امور از والدین خود اطاعت کند، مگر آنکه او را به گناه و نافرمانی خداوند دعوت کنند.

گفتنی است عده‌ای از فقهاء معاصر، وجوب اطاعت از پدر و مادر را مطلق ندانسته، بلکه آن را فقط در صورتی ثابت می‌دانند که ترک آن، موجب عقوبت یعنی اذیت والدین گردد (ر.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۱۱۵؛ خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۵۴-۴۵۵؛ امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۵۹۵-۵۹۶). با این حال، شکی در رجحان اخلاقی اطاعت از والدین در همه امور وجود ندارد.

۲. حق حمایت

یکی از مصادیق روشن احسان به والدین، حمایت مادی و معنوی فرزندان از آن‌هاست. در بعد حمایت مادی، قرآن کریم بر لزوم توجه به والدین در مواردی مانند انفاق و وصیت و بلکه اولویت دادن به آن‌ها در مقایسه با سایر بستگان و نیازمندان تأکید دارد. برحسب آیه:

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى﴾ (بقره / ۲۱۵)

«از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو هر مالی را که انفاق می‌کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و ... [پرداخت کنید]»

به فرزندان توصیه شده است که از والدین خود حمایت مالی داشته باشند که این حمایت در برخی موارد حتی به حد وجوب می‌رسد. بر اساس روایات، پدر و مادر در صورت نیازمند بودن به عنوان افراد واجب النفقه فرزند محسوب شده‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۵۲۵). در ضمن، وظیفه حمایت مالی از والدین پس از مرگ آن‌ها نیز با ادای دین و وفای به نذر آنان و مانند آن ادامه می‌یابد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۱۲). در مورد وصیت نیز آیه قرآن می‌فرماید:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا

عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره / ۱۸۰)

«بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی به جا می‌گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان به طور شایسته وصیت کند؛ [چراکه این] حقی است بر پرهیزگاران»

روشن است که حمایت مادی از والدین به دو مورد مزبور اختصاص ندارد و موارد گوناگون دیگری از جمله مراقبت از آنان به ویژه در دوره سالمندی را نیز در بر می‌گیرد که قرآن کریم با توصیه‌های مکرر به احسان به والدین و نیز با تعبیر کلی:

﴿أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾ (لقمان / ۱۴)

«شکرگزار من و پدر و مادرت باش»

حکم همه آن‌ها را مشخص کرده است. بر حسب روایت، مردی به پیامبر اکرم (ص) عرض می‌کند: «مادر پیری دارم که او را بر پشت خود حمل می‌کنم و از دسترنج خود خوراکش می‌دهم؛ آنچه باعث آزار و اذیت اوست، از سر راهش برمی‌دارم؛ با وجود این، به خاطر شرم و احترام، چشم در چشم او نمی‌دوزم؛ آیا به این ترتیب، زحمات او را جبران کرده‌ام؟ حضرت فرمودند: نه» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۸۰). منظور از حمایت معنوی هرگونه خیرات و مبرات است که فرزندان برای والدین یا از طرف آن‌ها انجام می‌دهند. یکی از این کارهای خیر که در قرآن به طور ویژه به آن اشاره شده، دعا و طلب آمرزش برای والدین در زمان حیات و پس از مرگ ایشان است (نوح/۲۸؛ ابراهیم/۴۱؛ اسراء/۲۴). از این گذشته، می‌توان مطلوبیت سایر مصادیق حمایت معنوی را به همان بیانی که درباره حمایت مادی مطرح شد، از ادله عام احسان و شکرگزاری استفاده کرد. بر همین اساس، امام جعفر صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۵۰۵):

﴿مَا يَنْعَى الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ حَيًّا وَمَيِّتًا يُصَلِّيَ عَنْهُمَا وَيَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيَحُجَّ عَنْهُمَا وَيَصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ﴾

«چه چیز مانع شما می‌شود که به پدر و مادرتان در هنگام حیات و مرگشان نیکی کنید و از طرفشان نماز بخوانید، صدقه دهید، حج به جای آورید و روزه بگیرید تا پاداش این اعمال برای آن‌ها و مثل آن نیز برای شما ثبت شود»

۳. حق احترام

در میان سفارش‌های متعدد قرآن کریم درباره پدر و مادر، سفارش به احترام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قرآن به بیان کلی این حق اکتفا نکرده، بلکه ظرائف و

لطائف خاصی را در این خصوص با تعبیری اعجاب‌برانگیز یادآور شده است و از جمله می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَٰهَهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ (إسراء/ ۲۳-۲۴)

«پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آن‌ها یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سنّ پیری رسیدند، به آن‌ها «آف» نگو [کم‌ترین اظهار دلتنگی از آن‌ها نکن] و بر سر آن‌ها فریاد مزین و با گفتار بزرگوارانه با آن‌ها سخن بگو و بال‌های تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر»

امام جعفر صادق (ع) در روایتی فرازهای آیه را اینگونه تفسیر کرده‌اند: «اگر خاطر تو را آزدند، به آن‌ها «آف» نگو و اگر تو را زدند، بر سرشان فریاد مزین، بلکه با گفتار کریمانه از خداوند برایشان طلب مغفرت کن و نگاه تند به آن‌ها نداشته باش، بلکه نگاهت توأم با محبت و دلسوزی باشد و صدایت را از صدای آن‌ها بلندتر نکن و دستت را از دست آنان بالاتر نیاور و جلوتر از آن‌ها راه نرو». ناگفته نماند لزوم احترام به والدین و همچنین اطاعت و حمایت از آن‌ها نمی‌تواند بهانه‌ای برای زیر پا گذاشتن اصل کلیّ عدالت باشد. قرآن کریم در این خصوص به صراحت بر آن تأکید نموده است (نساء/ ۱۳۵).

سایر حقوق مادر

قرآن کریم علاوه بر حقوقی که مادران بر فرزندان خود دارند، برخی حقوق دیگر را برای آن‌ها مقرر کرده و وظیفه ایفای این حقوق را بر عهده پدران یا نهادهای اجتماعی مسئول قرار داده است. یکی از این حقوق، حق ارث است (نساء/ ۱۱) که در اینجا به دلیلی که در مقدمه بحث گفته شد، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

یکی از دیگر حقوق مادران، حق حضانت و شیردهی به فرزند به مدت دست‌کم دو سال است. همان‌گونه که در تفاسیر آمده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۴۰؛ مکارم الشیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۱۷۶) آیه:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُرْعِيَ الرَّضَاعَةَ﴾ (بقره/ ۲۸۶)

حق حضانت و شیردهی به فرزند در دوره دوساله شیرخوارگی را به مادر داده است. البته آنچه در آیه بدان تصریح شده، حق شیردهی است، ولی بر اساس آنچه از روایات به دست می‌آید (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۴۷۱-۴۷۳) محدوده این حق فراتر از شیردهی صرف است و همه امور مربوط به حضانت و نگهداری از فرزند را شامل می‌شود و از این رو، برحسب برخی روایات تا سن هفت‌سالگی امتداد می‌یابد (همان: ۴۷۲-۴۷۳). ضمن آنکه فقها نیز به‌رغم اختلاف نظر در تعیین دو سال یا هفت سال، در مورد اصل ثبوت حق حضانت برای مادر اتفاق نظر دارند (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۰۲؛ خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۸۵؛ سیستانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۲۰).

به نظر می‌رسد دلیل اعطای چنین حقی به مادران از سویی توجه به پیوند ناگسستنی تغذیه جسم و جان نوزاد با شیر و عواطف مادر و از سوی دیگر، رعایت عواطف مادر است؛ زیرا مادر با توجه به روحیه عاطفی‌اش عادتاً نمی‌تواند دوری فرزند خود را به‌ویژه در دوره شیرخوارگی تحمل کند. بنابراین قرار دادن حق حضانت و شیردهی برای مادر، یک نوع حق دوجانبه هم برای فرزند و هم برای مادر است و تعبیر «أَوْلَادَهُنَّ» اشاره لطیفی به این مطلب است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۱۷۶).

وظائف زن به عنوان مادر

مادران همچنان که حقوقی بر فرزندان خود دارند، وظائف و مسئولیت‌هایی در قبال آنان به عهده دارند. در این قسمت، بر اساس آیات قرآن و نکات تفسیری به بررسی مهم‌ترین وظائف مادران در ضمن چهار محور مراقبت، تربیت، حمایت و نظارت می‌پردازیم.

۱. حفظ و مراقبت

در قرآن کریم بر دو جنبه مهم از موضوع مراقبت از فرزندان تأکید شده است: حفظ حیات فرزندان در برابر مرگ و نابودی و حفظ سلامتی آنان در برابر بیماری‌ها و دیگر آسیب‌های جسمی و روانی.

در این بحث، مسئولیت‌های والدین به‌ویژه مادر در این زمینه بررسی خواهد شد.

۱. حفظ حیات فرزندان

بی تردید همگان در برابر حیات انسان‌های دیگر مسئولیت دارند، اما با توجه به رواج پدیده شوم فرزندکشی در دوران جاهلیت، قرآن کریم پدر و مادر را به‌خصوص در این زمینه مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كَرِيمٌ﴾ (اسراء / ۳۱)
«و فرزندان‌تان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم، مسلماً قتل آن‌ها گناه بزرگی است»

این آیه، حق حیات فرزندان را به رسمیت شناخته و والدین را از کشتن آنان به دلیل فقر و تنگدستی بر حذر داشته است.

برخی از مفسران معتقدند مقصود از فرزندکشی، همان «وَأُد» یا زنده به گور کردن دختران است که در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۶۴؛ مراغی، بی تا، ج ۱۵: ۴۱) اما از ظاهر آیات برمی‌آید که اعراب دوره جاهلیت علاوه بر این رسم منحط، گاه فرزندان خود اعم از دختر و پسر را از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۸۵).

به هر حال، با توجه به نقش مؤثر مادران در مسأله فرزندکشی در جاهلیت، قرآن کریم این موضوع را در مواد بیعت‌نامه زنان با پیامبر اکرم (ص) پس از فتح مکه گنجانده است (ممتحنه / ۱۲). آمارهای تکان‌دهنده راجع به سقط جنین عمدی (کورتاژ) در دوران معاصر نشان می‌دهد که جاهلیت مدرن در زمینه فرزندکشی، گوی سبقت را از جاهلیت قدیم ربوده است. شیوع سقط جنین عمدی در جوامع غربی در دهه‌های اخیر به حدی بوده است که برخی از نویسندگان غربی، آن را به عنوان یکی از روش‌های رائج کنترل موالید و تنظیم خانواده برشمرده‌اند (سگالن، ۱۳۸۸ش: ۱۹۵). این در حالی است که در فقه اسلام حتی حق حیات جنین به رسمیت شناخته شده و از این رو، سقط جنین از اولین مرحله تکوّن آن یعنی زمان انعقاد نطفه در رحم مادر حرام است و فقط در برخی از مواردی که ادامه حیات جنین، موجب خطر جانی برای مادر می‌شود، سقط جنین با پرداخت دیه تجویز شده است (برای نمونه ر.ک: امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۹۳۰، ۹۴۵-۹۴۷؛ تبریزی، ۱۳۷۸ش: ۴۷۶ - ۴۷۸؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۸ش: ۳۰۰ - ۳۰۳).

۲. حفظ سلامتی فرزندان

وظیفه دیگر والدین به‌ویژه مادران در قبال فرزندان، حفظ سلامتی آنان است. در این ارتباط، می‌توان به توصیه‌های قرآن درباره مدت شیردهی اشاره کرد. آیه: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْتَزِعَهُ الرِّضَاعَةَ﴾ (بقره/ ۲۳۳) علاوه بر اثبات حق حضانت و شیردهی برای مادران، بیانگر آن است که قرآن کریم الگوی شیردهی کامل را به دلیل نقش آن در سلامت جسمی و روانی فرزند، یک اولویت می‌داند. در این ارتباط، آیه ﴿وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ﴾ (لقمان/ ۱۴) آخرین زمان گرفتن کودک از شیر را دوسالگی قرار داده و آیه ﴿حَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾ (أحقاف/ ۱۵) مجموع زمان بارداری و شیردهی را سی ماه دانسته است؛ پس با توجه به اینکه حدّ اقل مدت بارداری شش ماه و حدّ اکثر آن نه ماه است، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن برای مدت مطلوب شیردهی به فرزند، یک حدّ اقل بیست و یک ماهه و یک حدّ اکثر بیست و چهار ماهه مقرر کرده است (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۷: ۵۴۸؛ سیستانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۲۰). بر همین اساس، در برخی روایات، شیردهی کم‌تر از بیست و یک ماه، جفا به کودک قلمداد شده است. آیه نخست همچنین بر اولویت شیردهی و حضانت فرزندان به وسیله مادران طبیعی دلالت دارد و این از آن روست که مادر طبیعی هم به دلیل برخورداری از عواطف منحصر به فرد مادرانه و هم به سبب برتری شیر وی بر سایر شیرها که در روایات نیز بر آن تأکید شده (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۶: ۴۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۴۶۸) بهترین گزینه‌ای است که می‌تواند مراقبت بهینه و در نتیجه، سلامت فرزندان را تأمین کند.

ب. تعلیم و تربیت

اگرچه پدر و مادر در همه مراحل تعلیم و تربیت فرزندان، نقش مشترکی دارند، اما بی‌گمان، نقش مستقیم و غیرمستقیم مادر در این زمینه به دلیل ارتباط نزدیک‌تر وی با فرزندان به‌ویژه در سنین آغازین کودکی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این قسمت، با الهام از آیات قرآن، محورهای اصلی تعلیم و تربیت فرزندان به وسیله والدین در چهار محور اعتقادات، اخلاقیات، مناسک و آداب دینی به طور خلاصه بررسی خواهد شد.

۱. اعتقادات

در برخی آیات قرآن کریم به طور صریح یا ضمنی به نقش تعلیمی و تربیتی والدین در زمینه اعتقادات فرزندان اشاره شده است.

صرف نظر از مواردی مانند وصایای توحیدی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت یعقوب(ع) به فرزندانشان(بقره/ ۱۳۲-۱۳۳) و نیز موعظه لقمان به فرزندش درباره پرهیز از شرک(لقمان/ ۱۳) که می‌توانند برای همه والدین جنبه الگویی داشته باشند و نیز با قطع نظر از اشاراتی به نقش منفی پدر و مادر بی‌ایمان در انحرافات اعتقادی فرزندان(عنکبوت/ ۸؛ لقمان/ ۱۵؛ نوح/ ۲۶-۲۷) می‌توان آیه‌ای از قرآن را یادآور شد که می‌فرماید:

﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ اِنَّ شَيْئَكُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ﴾ (بقره/ ۲۲۳)

علامه طباطبایی(ره) در تفسیر فراز اخیر می‌نویسد: «مقصود از جمله «برای خودتان پیش بفرستید» و خطاب مردان یا مجموع مردان و زنان به این تکلیف آن است که ایشان را به ابقای نوع انسان از طریق ازدواج و تناسل ترغیب کند. با توجه به اینکه خداوند از نوع انسان و بقای آن چیزی جز حیات دین و گسترش توحید و عبادت خود به واسطه پرهیزگاری عام انسان‌ها نمی‌خواهد ... مراد از این خطاب گرچه در درجه نخست، تولید مثل و تقدیم اعضای جدید به اجتماعی است که پیوسته افرادش را به سبب مرگ و میر از دست می‌دهد و [اگر تولید مثل نباشد] جمعیت آن به مرور زمان کاهش می‌یابد، اما این بدان سبب نیست که افراد جدید به خودی خود مطلوب‌اند، بلکه غرض آن است که به واسطه آن‌ها یاد خداوند باقی بماند»(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۱۳-۲۱۴).

بنابراین والدین به ویژه مادران باید ایمان به خداوند و باور به جهان غیب، بهشت و دوزخ، کتاب‌ها و پیامبران الهی و امامت ائمه هدی از جمله حضرت ولی عصر(عج) را در نهاد فرزندان خود درونی سازند و اعتقادات صحیح را به‌ویژه در سنین کودکی به آنان آموزش دهند، چنانکه در روایات به والدین توصیه شده است که آموزش عقائد صحیح به فرزندان را زودهنگام آغاز کنند(ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۶: ۴۷).

۲. اخلاقیات

در ارتباط با لزوم اهتمام والدین به پرورش فضائل اخلاقی فرزندان نیز می‌توان برخی اشارات قرآن کریم را یادآور شد. گذشته از نصائح اخلاقی لقمان به فرزندش (لقمان / ۱۵- ۱۸) و سفارش حضرت یعقوب (ع) به فرزندانش درباره ناامید نشدن از عنایت الهی (یوسف / ۸۷) می‌توان به اصل کلی «امر به معروف» استناد کرد که طبق آیه ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه / ۷۰) زنان و مردان را به طور یکسان در بر می‌گیرد.

به موجب این اصل، سفارش به معروف (هر امر شایسته و مطلوب عقلی یا شرعی) که قطعاً توصیه به فضائل اخلاقی را شامل می‌شود، وظیفه‌ای است که همه افراد نسبت به اجتماع و به طور مؤکدتر، پدران و مادران نسبت به فرزندان خود بر عهده دارند.

۳. مناسک

امر به معروف، به بیانی که گذشت، وظیفه‌ای همگانی با گستره‌ای وسیع است که امر والدین به فرزندان در خصوص برپایی مناسک دینی به‌ویژه نماز را نیز شامل می‌شود. روشن است که پیش‌شرط انجام این وظیفه، آموزش احکام عبادات به فرزندان است. از این گذشته، امر فرزندان به نماز از سوی انبیاء الهی و بزرگان دین در چندین آیه از قرآن در قالب حکایت یا توصیه مطرح شده است که می‌تواند الگویی برای همه والدین باشد. قرآن کریم در آیه ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ﴾ (مریم / ۵۵) حضرت اسماعیل (ع) را به دلیل امر نمودن خانواده به نماز می‌ستاید و در آیه ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ﴾ (لقمان / ۱۷) از سفارش لقمان به فرزندش درباره اقامه نماز یاد می‌کند و در آیه ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ﴾ (طه / ۱۳۲) رسول اکرم (ص) را به امر کردن خانواده به نماز فرامی‌خواند.

۴. آداب

تعلیم آداب معاشرت صحیح به فرزندان، به‌ویژه در زمینه‌های مربوط به امور جنسی، یکی دیگر از وظائفی است که قرآن کریم برای والدین مقرر کرده است. گذشته از توصیه‌های رفتاری لقمان به فرزندش درباره چگونگی معاشرت با مردم (لقمان / ۱۴-۱۹)

آموزش نحوه اجازه گرفتن کودکان برای ورود به اتاق خواب والدین و دیگر بزرگسالان خانواده، مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است. قرآن در این خصوص می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصُومُونَ ثِيَابِكُمْ مِنَ الطَّهِيْرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ...﴾ (نور / ۵۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، غلامان و کنیزان شما و کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده‌اند، [برای ورود به اتاق خواب] سه بار [در شبانه‌روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد و هنگامی که در نیم‌روز جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان...»

از آنجا که تکلیف شرعی به کسب اجازه نمی‌تواند به کودکان نابالغ متوجه شود، آیه شریفه بزرگسالان را مخاطب قرار داده و اجازه گرفتن کودکان را از اولیای آنها خواسته است که این می‌تواند نوعی تعیین وظیفه آموزشی برای اولیا باشد.

ج. حمایت

در نظام حقوقی اسلام، حمایت از فرزندان به دلیل جنبه‌های مالی معمولاً به پدران مربوط می‌شود. با این حال، در مواردی برای مادران نیز مسئولیت‌هایی در این زمینه مقرر شده است که یکی از مهم‌ترین آنها مسئولیت حمایت در ازدواج و تشکیل خانواده است. قرآن کریم در خطابی عمومی می‌فرماید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ﴾ (نور / ۳۲)

«بی‌همسران خود را همسر دهید»

که بر اساس این آیه، مسئولیتی اجتماعی برای پدران، مادران، سایر بستگان و حتی دیگر افراد و نهادهای اثرگذار در جهت فراهم ساختن شرائط و امکانات ازدواج افراد بی‌همسر ثابت می‌شود.

د. نظارت

بر اساس آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم / ۶) می‌توان گفت پدر و مادر نه تنها در قبال رفتارهای خود به عنوان فرد مسلمان مسئول‌اند، بلکه نسبت به همه

کنش‌های فردی و اجتماعی فرزندان‌شان به‌ویژه پس از سن بلوغ که تکالیف شرعی متوجه آنان می‌شود، دارای وظیفه نظارتی هستند.

در روایات، مفهوم «حفظ خانواده از آتش» به امر به معروف و نهی از منکر اهل خانه تفسیر شده است. در روایتی از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «هنگامی که آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ نازل شد، مردی از مسلمانان بر زمین نشست و گریه سر داد و گفت: من از حفظ خود عاجز بودم، اکنون مسئولیت خانواده‌ام نیز بر دوش من گذاشته شد! پیامبر خدا (ص) فرمودند: «برای تو همین کافی است که آنان را به آنچه خودت را بدان امر می‌کنی، امر کنی و از آنچه که خودت را نهی می‌کنی، نهی کنی» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۴۸). همچنین در روایت دیگری از آن حضرت درباره چگونگی حفظ خانواده از آتش دوزخ سؤال شده و امام (ع) پاسخ داده‌اند: «آنان را به آنچه خداوند امر کرده، امر می‌کنی و از آنچه خداوند نهی نموده، نهی می‌کنی؛ پس اگر فرمانت را پذیرفتند، آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر تو را نافرمانی کردند، تو وظایف‌ات را به انجام رسانده‌ای». بر اساس این دو روایت، منظور از وظیفه نظارتی والدین که همان امر و نهی زبانی است، مشخص می‌شود.

نتیجه بحث

با توجه به اقتضای تفاوت‌های فطری و طبیعی زن و مرد که آنان را مکمل همدیگر قرار داده است، نقش‌های همسری و مادری زن از دیدگاه قرآن کریم بسیار مهم و سازنده تلقی شده‌اند. از این رو، برای زن در بسیاری از موارد، حقوق و تکالیف اختصاصی در محیط خانواده و اجتماع در نظر گرفته شده است؛ زیرا قرآن کریم در وضع همه احکام و قوانین مربوط به زندگی انسان‌ها تمام جهات موضوع را در نظر گرفته تا فرازمانی و فرامکانی باشد. از جمله مهم‌ترین حقوق اختصاصی زن به عنوان همسر در قرآن کریم، حقوق عاطفی و مالی است که برای ایجاد تعادل و موازنه بین حق و تکلیف، حمایت عاطفی و تمکین در برابر خواسته‌های مشروع و قانونی شوهر نیز از جمله تکالیف اصلی و اختصاصی وی به شمار می‌رود. همچنین زن به عنوان مادر، حقوق متعددی مانند حق اطاعت، حق حمایت، حق احترام و حق حضانت و شیردهی بر فرزندان دارد و در قبال

آن، تکالیف مهمی مانند حفظ و مراقبت از فرزندان، تعلیم و تربیت، حمایت و نظارت را بر عهده دارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

کتاب فارسی

- امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۴۲۲ق، استفتاءات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۴۲۴ق، توضیح المسائل (محشّی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم.
- امامی، سیدحسین. بی‌تا، حقوق مدنی (۶ جلد)، تهران: انتشارات اسلامی.
- بستان (نجفی)، حسین. ۱۳۸۸ش، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور، چاپ اول.
- تبریزی، میرزا جواد. ۱۳۷۸ش، استفتائات جدید، قم: انتشارات سرور، چاپ اول.
- خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۸۸ش، رساله اجوبة الاستفتائات، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ پانزدهم.
- سگالن، مارتین. ۱۳۸۸ش، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- شبیری زنجانی، سید موسی. بی‌تا، تقریرات درس نکاح، قم: مؤسسه تبیان.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله. ۱۳۹۲ش، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان، چاپ سی‌وششم.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۹۳ش، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ نودوشش.
- گلیپایگانی، سید محمد رضا. ۱۴۰۹ق، مجمع المسائل (۵ جلد)، تحقیق علی کریمی جهرمی و علی ثابتی همدانی و علی نیری همدانی، قم: دار القرآن الکریم، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۵ش، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، چاپ چهل و سوم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

کتاب عربی

- اصفهان‌ی (فاضل هندی)، محمد بن حسن. ۱۴۱۶ق، کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله. بی‌تا، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

- ألوسى، سيد محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم**، بيروت: دار الكتب العلميه.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸ق، **أنوار التنزيل وأسرار التأويل**، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- حر عاملى، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسايل الشيعه**، قم: مؤسسة آل البيت.
- حكيم، سيد محسن. ۱۴۱۰ق، **منهاج الصالحين** (۲ جلد)، تعليق السيد محمدباقر الصدر، بيروت: دار التعارف.
- حلى (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى. ۱۴۲۰ق، **تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية**، قم: نشر مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول.
- خوانسارى، سيد احمد. ۱۴۰۵ق، **جامع المدارك فى شرح مختصر النافع**، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم.
- خوبى، سيد ابوالقاسم. ۱۴۱۰ق، **منهاج الصالحين** (۲ جلد)، قم: مدينة العلم، چاپ اول.
- خوبى، سيد ابوالقاسم. ۱۴۱۶ق، **صراط النجاة**، قم: مكتب نشر المنتخب، چاپ اول.
- راغب اصفهانى، حسين. ۱۴۱۲ق، **المفردات فى غريب القرآن**، دمشق و بيروت: دار العلم و الدار الشاميه، چاپ اول.
- زحلى، وهبة. ۱۴۱۸ق، **التفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج**، بيروت و دمشق: دار الفكر المعاصر.
- زمخشري، محمود. ۱۴۰۷ق، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، بيروت: دار الكتاب العربى.
- سيستانى، سيدعلى. ۱۴۱۶ق، **منهاج الصالحين** (۳ جلد)، قم: مكتب آية الله العظمى السيستانى.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على. ۱۴۱۰ق، **الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر)**، قم: كتابفروشى داورى.
- شهيد ثانى، زين الدين بن على. ۱۴۱۳ق، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول.
- طباطبايى يزدى، سيد محمد كاظم. ۱۴۱۹ق، **العروة الوثقى (المحشى)**، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
- طباطبايى، سيد محمد حسين. ۱۴۱۷ق، **الميزان فى تفسير القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- طبرسى، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طريحي، فخر الدين. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، تهران: كتابفروشى مرتضوى، چاپ سوم.
- طنطاوى، سيد محمد. بى تا، **التفسير الوسيط للقرآن الكريم**، بى جا، بى نا.
- طوسى، محمد بن حسن. بى تا، **التبيان فى تفسير القرآن**، بيروت: دار احياء التراث العربى.

- فخرالدین رازی، محمد. ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فضل الله، السید محمدحسین. ۱۴۱۸ق، **دنیا المرأة**، بیروت: دار الملائک.
کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۶۵ش، **الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسة الوفاء.
مراغی، احمد بن مصطفی. بی تا، **تفسیر المراغی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مغنیه، محمد جواد. ۱۴۲۴ق، **تفسیر الکاشف**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۱ق، **الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل** (۲۰جلد)، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع).
نجفی، محمد حسن. ۱۴۰۴ق، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
نوری، میرزا حسین. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسة آل البيت.

مقالات

- اکبری راد، طیبه و ملک زاده، فهیمه. ۱۳۸۸ش، «معناشناسی معروف در قرآن و رابطه آن با حقوق زن در خانواده»، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال چهارم، شماره ۵۱، صص ۷۰-۸۵.
بهره مند، مهدی و عسکری بدوی، محبوبه. ۱۳۹۴ش، «نفقه از دیدگاه قرآن و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۱۹-۱۳۱.
دهخدا، زهره. ۱۳۸۳ش، «حقوق زن از منظر قرآن و قانون مدنی ایران»، فصلنامه بانوان شیعه، سال اول، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۶۴.
رضایی، جمال و نراقی، علی اصغر. ۱۳۸۹ش، «بررسی الگوی خانواده سالم در سیره تربیتی پیامبر اسلام (ص)»، فصلنامه فدک سبزواری، سال اول، شماره ۴، صص ۹۳-۱۲۴.

Bibliography

Akbari Rad Taiebe, Malek Zade Fahime: Marouf Semantics in Quran and its relationship with women's right in family, two quarterlies and family law (Nedaie Sadeg), 51: 70-85, 2009.

Imam Khomeini Seied Rohollah Al-Mousavi: Esteftaat, Qom: Islamic press office related to lectures' society of Qom Seminary, 5th edition, 2001.

Imam Khomeini Seied Rohollah Al-Mousavi: Tozih Al- massael (Moheshi), Qom: Islamic press office related to lectures' society of Qom Seminary, 8th edition, 2003.

Imami Seied Hassan: Civil Law (6 volumes), Bitā, Tehran: Islameie press.

- Bahremand Mehdi, Asghary Badavi Mahboobe: Alimony from Quran and narration's perspective, Quarterly of Quran studies, sixth year, 23: 119-131, 2015.
- Bostan (Najafi) Hossein: Islam and sexuality differences, Qom: study house of seminary and university and women affairs office of Ministry of Interior.
- Tabrizi Mirza Javad: Esteftaat-e-jadid, Qom: Sarvar press, first edition, 1999.
- KHamanei Seied Ali: Resal-eie Ajvie Al-esteftaat, Tehran: international press of Al-hoda, 15th edition, 2009.
- Dekhoda Zohre: Women's rights from Quran and Iran's civil law point of view, Quarterly of Shiite women, first year, 2: 147- 164, 2004.
- Rezaie Jamal, Naraghi Ali Asghar: The study of safe family type in educational way of Prophet, Quarterly of Fadak-e-Sabzevaran, first year, 4: 93-124, 2010.
- Segalen Martin: Historical sociology of family, Tehran: center press, 5th edition, 2009.
- Shobiery Zanjani Seied Mose: Tagrirate darse nekah, Bita, Qom: Tebian institute.
- Safaie Seied Hassan and Imami Asadollah: Summery of family law, Tehran: Mizan press, 36th editions, 2013.
- Katozian Nasser: Introduction to law science and study of law system of Iran, Tehran: Enteshar Co, 96th edition, 2014.
- Motahari Morteza: Women's right in Islam, Tehran: Sadra, 43th edition, 2006.
- Makarem Shirazi Nasser et al: Tafsir-e-nemoone, Tehran: Dar Al- Kitab-e-Islamie, 1995.
- Arabic References**
- Holly Quran (translated by Makarem Shirazi and Mousavi Zanjani)
- Alousi Seied Mahmood: Roohol Maani Fe Tafsire Al- quran Al- Azim, Beirut: Dar Al- Ketabe Al- Elmie, 1994.
- Esfahani (Fazel Hendi), Mohammad IbnAl- Hassan: Kash Al- Lesam and Al- ebbam Al- Qavaed Al- Ahkam, first edition, Qom: Islamic press office related to lectures' society of Qom Seminary, 1995.
- Imam Khomeini Seied Rohollah: Tahrir Al- Vasile, Bita, and Qom: press institute of
- Beizavi abdollah Ibn Omar: Anvar Al- Tanzil and Asra-e-Al- Tavail, Birut: Dara Al- Ahia Al-taras Al- Arabi, 1997.
- Allame Helli, Hassan Ibn Yousef Ibn Motahar Asadi: Tahrir Al- Ahkam Al- Shariat Ala Mazhab Al- Imamiet (T- Al-hadis), Qom: Imam Saqdeg press, first edition, 1999.
- Hor Ameli Mohammad Ibn Hassan: Vassael Al- Shiet, Qom: Al-bait press, 1998.
- Hakim Seied Mohssen: Menhaj Al- salehin (2 volumes), Beirut: encyclopedia, 1989.
- Khansari Seied Ahmad: Jame Al- Madarek Fi Sharh Al- Manafe. Qom: Ismaillian institute, second edition, 1984.
- KHoiy Seied Ab Al-gasem: Sarat Al- Nejat, Qom: Make Al- Nashre AL-montakhab, first edition, 1997.
- KHoiy Seied Ab Al-gasem: Menhaj Al- salehin (2 volumes), Qom: Madinat Al- Elm, first edition.
- Ragheb Isfahani Hossein, Al-mofradat Fi Al-gharib Al-Quran, Beirut, Dameshg: Dar Al- elm Al-dar Al-shamiet, first edition, 1991.
- Zahili Vahbet: Al-tafsir Al-monir Fi Al-aghidat and Al-Shariat and Al-monhaj, Birut, Dameshg, Dar Al-elm Al-dar Al-shamiet, first edition, 1991.
- Zamkhashri Mahmoud, Al-keshaf An haghagh Al-tanzil, 1986.
- Sistani Seied Ali: Menhaj Al-salehin (3 volumes), Qom: school of Ayatollah Al-ozma Al-sistani. 1989.
- Shahid-e-Sani, Zain Al-din Ibn Ali: Al-rozat Al-bahiet Fi Sharh Al-elmet Al-dameshghet (Al-mahshi-Kalantar), Qom, Davary book store, 1989.

- Shahid-e-Sani, Zain Al-din Ibn Ali: Msalek Alafham Ela Tanghah Sharae Al-islam, Qom: institte of Al-mararef Al-eslamet, first edition, 1992.
- Tabatabaiy Seied Mohammad Hossein: Al-mizan Fi Tafsil Al-Quarn, Qom: of Islamic presses office of lectures' society of Qom Seminary, 1996.
- Tabatabaiey Yazdi seied Mohammad Kazem: Al-orvat Al-vosgha (Al-mahshi), Qom: Islamic press office related to lectures' society of Qom Seminary, first edition, 1998.
- Tarihi Fakhredin: Majma Al-bahrein, Tehran: Mortazavi book store, third edition, 1996.
- Tantavi Seied Mohammad: Al-tafsiro Al-vasit Lel-Quran Alkarim, Bitā, Bija, Bina.
- Toosi Mohammad IBn Hassan: Al-tebian Fi Tafsiro Al-Quran, Bitā, birut: Dar Ahia Al-Tras Al-arabi.
- Fazl Allah Al-seied Mohammad Hossein: Donia Al-marat, Beirut: Dar Al-malak, 1997..
- Koleiny Mohammad Ibn Yaghoub: Al-kafi, Tehran: Dar Al-ketab Al-islamiet, 1986.
- Majlesi Mohammad Bagher: Bohar Al-Anvar, Beirut, Al-vafa institute, 1983.
- Maraghi Ahmad Ibn Mostafa: Tafsi Al-maraghi, Beirut, Dar Ahia Al-Tras Al-arabi.
- Moghine Mohammad Javad, Tafsiro Al-kashef, Tehran: Dar Al-kotob Al-islamiet, 2003.
- Makarem Shirazi, Naser: Al-amsal Fi Tafsiro Ketab-e- Allah Al-manzel (20 volumes), Qom: Ali Ibn Abi Taleb school, 2000.
- Najafi Mohammad Hassan: Javaher Al-kalam Fi Sharh Shrae Al-islam, Beirut, Dar Ahia Al-Tras Al-arabi, 7th edition, 1983.
- Nouri Mirza Hassan: Mostadrak Al-vasael, Qom: Al Al-bait institute, 1983.